



اظهار نظر کارشناسی درباره: « طرح الحاق یک تبصره به ماده (۲) قانون تعاریف محدوده و حریم شهر، روستا و شهرک ونحوه تعیین آنها »

لله الحمد لله الرحمن الرحيم

تاریخ انتشار:
۱۴۰۲/۲/۵



مرکز پژوهش‌های
مجلس شورای اسلامی

شماره مسلسل: ۱۸۸۸۹
کد موضوعی: ۲۶۰

عنوان گزارش:

اظهارنظر کارشناسی درباره:
«طرح الحاق یک تبصره به ماده (۲)
قانون تعاریف محدوده و حریم شهر، روستا و شهرک و نحوه تعیین آنها»

نام دفتر:

مطالعات سیاسی (گروه سیاست داخلی)

تهیه و تدوین:

فاطمه سادات میراحمدی

همکار:

علی فرنام

اظهارنظرکنندگان:

مرتضی گنجی (دفتر مطالعات اجتماعی)
یحیی مزرعی ایبانه (دفتر مطالعات حقوقی)

ناظر علمی:

حسن کریمی فرد

ویراستار ادبی:

پرنده فیاضی

صفحه آراء:

نرجس امیراحمدی

واژه‌های کلیدی:

۱. کلان شهر
۲. حریم کلان شهر
۳. نظام تقسیمات کشوری



فهرست مطالب

۶	چکیده
۷	خلاصه مدبریتی
۱۰	مقدمه
۱۱	اظهار نظر کارشناسی
۱۱	۱. بررسی کلیات طرح
۱۸	۲. بررسی ماده واحد طرح
۱۹	نتیجه گیری
۲۰	منابع و مأخذ



اظهار نظر کارشناسی درباره:

« طرح الحاق یک تبصره به ماده (۲) قانون تعاریف محدوده و حریم شهر، روستا و شهرک و نحوه تعیین آنها »

چکیده



رشد سریع شهرنشینی و گسترش فیزیکی بی ضابطه کلان شهرها و اراضی پیرامون آنها، موجب شده است که امر برنامه ریزی، مدیریت و نظارت بر حریم با چالش‌های زیادی همراه باشد. طبق ماده (۲) «قانون تعاریف محدوده و حریم شهر، روستا و شهرک و نحوه تعیین آنها»، مصوب ۱۳۸۴/۱۰/۱۴، «حریم شهر عبارت است از قسمتی از اراضی بلا فصل پیرامون محدوده شهر که ... از مرز تقسیمات کشوری شهرستان و بخش مربوط تجاوز ننماید». هدف طرح حاضر مستثنا کردن حریم کلان شهرها از عدم تجاوز از مرز تقسیمات کشوری شهرستان و بخش است. لزوم اصلاح بندهای قانونی مربوط به حریم کلان شهرها، انکارناپذیر است اما در طرح حاضر راهکار مناسبی برای آن ارائه نشده است. به دلیل مغایرت طرح با سیاست‌های کلی آمایش سرزمین، سیاست‌های کلی شهرسازی و نیز موادی از قانون تعاریف و ضوابط تقسیمات کشوری، مصوب ۱۳۶۲/۰۴/۱۵ و نیز آثار و پیامدهای زیست محیطی، اجتماعی، امنیتی و ... رد کلیات طرح توصیه می‌شود. از آنجا که مسئله‌ای که طرح حاضر در پی رفع آن است، ریشه در نظام تقسیمات کشور و چگونگی مدیریت و سازماندهی سیاسی فضای کلان شهرها دارد، لذا در گام نخست اصلاح قانون تعاریف و ضوابط تقسیمات کشوری مصوب ۱۳۶۲/۰۴/۱۵ (شامل الحاق تعریف کلان شهر به قانون)؛ تصویب مقرره‌های قانونی برای بازنگری در مدیریت و سازماندهی سیاسی فضای کلان شهرها (اتخاذ نظام تقسیمات دوسطحی برای کلان شهرها و تشریح چگونگی مدیریت سیاسی کلان شهرها و ارتباط آن با سطح تقسیماتی مافوق در قانون) ضروری است. همچنین شایسته است قانونی در خصوص مجموعه‌های شهری (برای مدیریت مسائل مبتلا به این مجموعه‌ها به عنوان منطقه‌ای همبسته و دارای نیازها و مسائل مشترک) تدوین شود. در گام دوم، باید با مبنا قرار دادن آن اصلاحات قانونی، حریم کلان شهرها - با رعایت قوانین و اسناد بالادستی کشور - جهت رفع تناقض‌ها اصلاح شود.



هدف طرح حاضر مستثنا کردن حریم کلان شهرها از عدم تجاوز از مرز تقسیمات کشوری شهرستان و بخش است. در این زمینه نکات ذیل قابل تأمل است:

۱. چالش‌های مشترک تمامی کلان‌شهرهای کشور رشد خزنده و افقی - فیزیکی است که نتایج آن معضله‌هایی از قبیل از بین رفتن اراضی طبیعی و کشاورزی به نفع توسعه فیزیکی شهری، عدم پایداری منابع زیستی و حاشیه‌نشینی است که خود پیامدهای منفی امنیتی، فرهنگی - اجتماعی و ... در بر دارد. تصویب طرح حاضر چنین چالش‌هایی را عمیق‌تر خواهد کرد.

۲. طرح حاضر مغایر سیاست‌های کلی شهرسازی به ویژه بند «۱۰» سیاست‌های مزبور، بند «و» سیاست‌های کلی آمایش سرزمین و مواد (۱۳) و (۱۴) قانون تعاریف و ضوابط تقسیمات کشوری است. لذا تصویب کلیات طرح حاضر توصیه نمی‌شود.

۳. موضوع حریم کلان شهرها و عدم انطباق و تضاد با مواد (۲) و (۶) قانون تعاریف محدوده و حریم شهر، روستا و شهرک و نحوه تعیین آنها، از همان بدو تصویب قانون مذکور محل مسئله جدی بین مدیریت شهری کلان شهرها با شهرها و روستاهای پیرامونی از یک سو و سطوح دولت محلی (فرمانداری‌ها و بخشداری‌ها) از سوی دیگر بوده است. اما ریشه اصلی مسئله به نظام تقسیمات کشور و نحوه سازماندهی سیاسی فضای کلان شهرها بازمی‌گردد:

■ رابطه حاکم میان سطوح تقسیماتی (مقرر در ماده (۱۲) قانون تعاریف و ضوابط تقسیمات کشوری)، در برگیرنده حداقل رابطه هماهنگی افقی و بین‌سازمانی و یک رابطه عمودی بالا به پایین و متمرکز است. نقاط روستایی و شهری به عنوان سکونتگاه، واحدهای تقسیماتی تلقی می‌شوند که خود به ترتیب تابع سطوح تقسیماتی دهستان و بخش قلمداد می‌شوند که فاقد ارتباط مدیریتی تعریف شده و هماهنگی با محیط اطراف خود هستند. به همین دلیل است که تعریف حریم برای شهرها نیز نه تنها فاقد کارایی لازم برای هماهنگ‌سازی نقاط شهری با پهنه‌های فرادست‌شان است بلکه عملاً محل بروز و چهره‌نمایی تعارض‌های مدیریتی است. لذا در قالب نظام تقسیمات و الگوی فعلی مدیریت سیاسی کلان شهرها، خرد شدن بیشتر تقسیمات کشوری در کلان شهرها، حریم و نواحی پیرامون آنها به معنای تکثیر چالش‌های موجود است.



■ در بسیاری از کشورها (ژاپن، فرانسه، چین، ترکیه و ...)، برای اجتناب از ایستایی بوروکراتیک، موانع غیر ضروری و به‌ویژه محدودیت‌های هماهنگی، اجرایی و نظارتی در کلان‌شهرها، سیستم دوسطحی تقسیماتی جایگزین نظام تقسیمات معمول در سایر نقاط کشور شده است. بدین معنا که شهرداری کلان‌شهر سطح بالایی نظام تقسیمات و شهرداری مناطق شهری سطح زیرین نظام تقسیمات را شکل می‌دهند و بر حسب درجه عدم تمرکز نظام سیاسی-اداری، کلان‌شهر هم‌رده یک استان و یا شهرستان محسوب می‌شود.

۴. کلان‌شهرها به‌واسطه جذابیت‌های اقتصادی، اشتغال، خدمات و آموزش رشد شتابان و مستمری را تجربه می‌کنند و به‌واسطه همین رشد سریع و مواجهه با محدودیت‌های تراکم، ترافیک، آلودگی و گرانی مسکن و ... از یک سو، و استقرار برخی مشاغل مرتبط در مجموعه‌ها و شهرک‌های صنعتی، و ... در پیرامون و حریم کلان‌شهرها از سوی دیگر، تقاضای فزاینده‌ای برای استقرار در مناطق پیرامونی کلان‌شهرها رخ می‌دهد که در ابتدا به رشد جمعیتی ناشی از مهاجرت در این سکونتگاه‌ها می‌انجامد و مرحله بعد تقاضا برای ارتقای تقسیمات کشوری رخ می‌دهد. لکن حرکت به سمت خرد شدن تقسیمات در این مناطق، اگرچه برخی مزایای زودگذر برای جوامع محلی این مناطق و سکونتگاه‌ها خواهد داشت اما در نهایت هم برای این سکونتگاه‌ها و هم کلان‌شهرها و هم سطح ملی، تبعات منفی جدی ناشی از گرایش‌های چندگانه متفرق و گاه متناقض براساس هویت‌های محلی را دربر خواهد داشت. به سخن دیگر کلان‌شهرها باید مبتنی بر بعد منطقه‌ای تبیین و ارزیابی شوند. بسیاری از عملکردهایی که نمی‌تواند در محدوده شهر استقرار یابد، باید در حریم آنها مستقر شود که در کشور ما به‌واسطه استقرار مجموعه‌های سکونتی شهری و روستایی متعدد در پیرامون کلان‌شهرها، تداخل حریم و تناقض با «قانون تعاریف محدوده و حریم شهر، روستا و شهرک و نحوه تعیین آنها»، دشواری‌های مدیریتی فراوانی ایجاد می‌نماید. با وجود اشاره ماده (۹) «قانون تعاریف محدوده و حریم شهر، روستا و شهرک و نحوه تعیین آنها» به «مجموعه‌های شهری»، خلأ وجود تعریف مجموعه شهری و جایگاه رسمی آن در نظام تقسیمات و نیز فقدان قانونی در خصوص نظام برنامه‌ریزی، سیاستگذاری و مدیریتی آن در نظام تقسیمات سیاسی-اداری کشور مشهود است.

لذا اصلاح بندهای قانونی مربوط به حریم کلان‌شهر، در گام نخست نیازمند اصلاح قانون تعاریف و ضوابط تقسیمات کشوری مصوب ۱۳۶۲/۰۴/۱۵ و تصویب مقرر قانونی برای بازنگری در مدیریت و سازماندهی سیاسی کلان‌شهرها است. همچنین شایسته است قانونی در خصوص نظام برنامه‌ریزی، سیاستگذاری و مدیریتی مجموعه‌های شهری تدوین شود. سپس با مبنای قرار

دادن آن اصلاحات قانونی، حریم کلان شهرها باید - با رعایت سایر قوانین و اسناد بالادستی کشور - جهت رفع تناقض‌ها اصلاح شود. لذا پیشنهاد می‌شود:

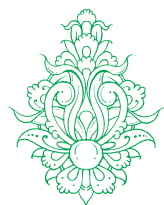
اول، تعریف کلان شهر و مجموعه شهری به شرح زیر به قانون تعاریف و ضوابط تقسیمات کشوری الحاق شود:

■ «کلان شهر شهری با محدوده و حریم معین با حداقل یک میلیون نفر جمعیت است که دارای تنوع عملکردی و تأثیر گذاری‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی در مقیاس منطقه‌ای، ملی و بین‌المللی است.»

■ «مجموعه شهری، محدوده جغرافیایی است که از یک کلان شهر و حداقل دو شهر پیرامونی و نواحی مجاور آن اعم از روستا، شهرک، مراکز صنعتی، کشاورزی و خدماتی، تشکیل شده و با کلان شهر دارای یکپارچگی در عملکرد است. این گستره می‌تواند در یک یا چند بخش و شهرستان قرار گیرد.»

دوم، از آنجا که نظام کنونی تقسیمات کشوری (نظام چهار سطحی تقسیمات و وجود شهر به‌عنوان یک واحد و نه سطح تقسیماتی که درون محدوده بخش قرار دارد)، پاسخگوی وضعیت کلان شهرها و مسائل آنها نیست، ضروری است ترتیباتی متمایز از رویه معمول نظام تقسیمات برای سازماندهی سیاسی و مدیریت سیاسی فضای کلان شهرهای کشور اتخاذ شود. بدین ترتیب که نظام تقسیمات، دو سطحی برای کلان شهرها اتخاذ شود و کلان شهر هم رده یک شهرستان، و شهر دار کلان شهر هم رده فرماندار قرار گیرد. در این الگو سطوح فرمانداری و بخشداری در کلان شهرها حذف می‌شود و شهرداری کلان شهر سطح بالایی و شهرداری‌های مناطق شهری، سطح زیرین نظام تقسیمات محسوب می‌شوند. در این صورت ضروری است در قالب ارائه لایحه دولت به مجلس شورای اسلامی، چگونگی مدیریت سیاسی کلان شهرها و مناطق شهری ذیل آنها و نحوه ارتباط با سطح تقسیماتی مافوق در قالب بندهای قانونی مورد تصریح قرار گیرد.

سوم، ضروری است قانونی مستقل در خصوص چگونگی سیاستگذاری یکپارچه و هماهنگ درباره مجموعه‌های شهری در قالب ارائه لایحه دولت به مجلس شورای اسلامی مورد تصویب قرار گیرد.



مقدمه

مدیریت شهرها و خصوصاً کلان‌شهرها از پیچیدگی و حساسیت ویژه‌ای برخوردار است. مدیریت شهرها در مرزهای قانونی و اداری پایان نمی‌پذیرد. برای اداره امور شهرها لازم است حریمی در پیرامون آنها تحت کنترل و نظارت برنامه‌ریزان قرار گیرد؛ زیرا شهر همچنان که بر حریم پیرامون خود تأثیر می‌گذارد، از وقایع و تحولات آن نیز تأثیر می‌پذیرد. [۱] در این میان رشد سریع شهرنشینی، گسترش فیزیکی بی‌ضابطه کلان‌شهرها و اراضی پیرامون آنها، موجب شده است که امر برنامه‌ریزی، مدیریت و نظارت بر حریم با چالش‌های زیادی همراه باشد. در کشورهای در حال توسعه و از جمله در کشور ما، نوع نگاه به اراضی پیرامون شهر، نگاهی احیاکننده نبوده و این نواحی به علت تغییر کاربری اراضی کشاورزی، گسترش افقی شهر، افزایش تراکم جمعیت، ساخت و سازهای بی‌رویه، تخریب محیط‌زیست و...؛ تبدیل به کانون‌های بحرانی برای شهر شده است. [۲]

طبق ماده (۲) «قانون تعاریف محدوده و حریم شهر، روستا و شهرک و نحوه تعیین آنها»، مصوب ۱۳۸۴/۱۰/۱۴، «حریم شهر عبارت است از قسمتی از اراضی بلافصل پیرامون محدوده شهر که نظارت و کنترل شهرداری در آن ضرورت دارد و از مرز تقسیمات کشوری شهرستان و بخش مربوط تجاوز ننماید». هدف طرح حاضر مستثنا کردن حریم کلان‌شهرها از عدم تجاوز از مرز تقسیمات کشوری شهرستان و بخش است.

طبق مقدمه طرح، دلایل توجیهی برای این پیشنهاد عبارت است از اینکه «توسعه فیزیکی پایدار شهری یکی از ضروریات و ملزومات تقویت فرهنگ زندگی اجتماعی و توسعه کالبدی شهر به حساب می‌آید. به همین جهت بررسی و یافتن محورهای توسعه فیزیکی شهر برای شهرهای در حال گسترش [و] ایجاد برنامه... مدون توسعه فیزیکی این شهرها بسیار ضروری و مهم می‌باشد و لزوم توجه به برنامه‌ریزی شهری در تعیین حریم امن و پایدار شهرها را ضروری نموده است. اگر... بحث گسترش شهرها از لحاظ

فیزیکی و کالبدی به هر عنوان محدودیت‌های غیرمنطقی پیدا کند، لطمات جبران ناپذیری در توسعه کلان‌شهر خواهد داشت. از مهم‌ترین عواملی که در این خصوص و توسعه شهرهای بزرگ تأثیر بسیار منفی و غیرقابل جبران [دارد]... موضوع تقسیمات سیاسی شهرهای بزرگ [است که] زمینه‌ساز بروز اختلافات اجتماعی در این نقاط می‌گردد که گاهی از متن موضوع پررنگ‌تر می‌شود. چراکه تعیین و حفاظت از حریم کلان‌شهرها برای توسعه آتی یکی از مهم‌ترین تکالیف و دغدغه‌های مدیران ارشد می‌باشد و از طرف دیگر بهره‌گیری بهینه از منابع و ظرفیت‌های مناطق، اصلاح و ایجاد واحدهای تقسیمات جدید را ضرورتی انکارناپذیر می‌نماید. اما... ماده (۲) قانون تعاریف و محدوده شهر، روستا و شهرک و نحوه تعیین آنها مبتنی بر اینکه حریم از مرز تقسیمات کشوری شهرستان و بخش مربوط نباید تجاوز نماید در عمل باعث تداخل دو اصل ضروری فوق‌الذکر در امر توسعه شده است.

اظهار نظر کارشناسی



۱. بررسی کلیات طرح

۱. مقدمه توجیهی طرح تقدیمی به‌طور کلی به برخی از مسائل مربوط به حریم کلان‌شهرها اشاره کرده، اما در نهایت جمع‌بندی و نتیجه‌گیری مشخصی انجام نشده است. آنچه از مقدمه طرح برمی‌آید این است که طرح حاضر از یک سو بر ضرورت ایجاد واحدهای تقسیماتی جدید در حریم کلان‌شهرها تأکید دارد و از سویی دیگر در پی رفع محدودیت‌ها برای توسعه کالبدی شهر است که در هر دو مورد ملاحظات و وجود دارد.

۲. در مقدمه توجیهی اشاره شده است که «بهره‌گیری بهینه از منابع و ظرفیت‌های مناطق، اصلاح و ایجاد واحدهای تقسیمات جدید را ضرورت انکارناپذیر می‌نماید». این سؤال وجود دارد که ایجاد واحدهای تقسیماتی جدید چگونه منجر به بهره‌گیری از منابع و ظرفیت‌های مناطق می‌شود؟ و آیا تنها راه بهره‌گیری بهینه از منابع و ظرفیت‌های یک منطقه ایجاد واحدهای تقسیماتی جدید است؟ شایان ذکر است که تجربه ایجاد واحدهای سیاسی جدید طی دهه‌های اخیر حاکی از آن است که اتکالی صرف به رویکرد ایجاد واحدهای سیاسی جدید نمی‌تواند زمینه‌ها و زیرساخت‌های توسعه را در سطوح و واحدهای سیاسی فراهم آورد و منجر به بهره‌گیری بهینه از منابع و ظرفیت‌های مناطق شود. [۳]

۳. چالش‌های مشترک تمامی کلان‌شهرهای کشور رشد خزنده و افقی - فیزیکی است که نتایج آن معضلهایی از قبیل افزایش جمعیت کلان‌شهرها، از بین رفتن اراضی طبیعی و کشاورزی به نفع توسعه



فیزیکی شهری، کاستی و عدم پایداری منابع زیستی (آب، هوا، و...)، افزایش آلودگی‌های زیست‌محیطی، حاشیه‌نشینی، عدم کیفیت خدمات و زیرساخت‌ها و... است که خود پیامدهای منفی امنیتی، فرهنگی - اجتماعی و... در بردارد. تصویب طرح حاضر چنین چالش‌هایی را عمیق‌تر خواهد کرد.

شایان ذکر است که توسعه فیزیکی کلان‌شهرها مغایر سیاست‌های کلی شهرسازی و آمایش سرزمین است. بند «۱» سیاست‌های کلی شهرسازی بر «مکان‌یابی توسعه شهرها در چارچوب طرح آمایش سرزمینی و براساس استعدادهای اقتصادی و بارعایت معیارهای زیست‌محیطی و مراقبت از منابع آب و خاک کشاورزی، و ایمنی در مقابل سوانح طبیعی و امکان استفاده از زیرساخت‌ها و شبکه شهری» تأکید دارد؛ بند «۲» بر «تعیین ابعاد کالبدی شهرها در گسترش افقی و عمودی... بارعایت ملاحظات فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، امنیتی، حقوق همسایگی و امکانات زیربنایی و الزامات زیست‌محیطی و اقلیمی» تأکید دارد؛ و بند «۱۰» سیاست‌های مزبور بر «سطح‌بندی شهرهای کشور و جلوگیری از افزایش و گسترش بی‌رویه کلان‌شهرها» تأکید دارد. همچنین بند «و» سیاست‌های کلی آمایش سرزمین با عنوان «رعایت ملاحظات امنیتی و دفاعی در استقرار جمعیت و فعالیت در سرزمین» بر ملاحظات «پیشگیری از مهاجرت‌های بی‌رویه به مراکز استان‌ها با تدابیر لازم» تأکید دارد. در حوزه ادبیات شهرسازی نیز، رویکردها نسبت به حریم از ذخیره آبی توسعه شهری به سمت فیلتر زیست‌محیطی، تنفسگاه و تأمین‌کننده سلامت شهر و حفاظت از توسعه تغییر یافته که باریشه لغوی حریم^۱ نیز همخوان است.

۴. سیستم کنونی تقسیمات کشوری، پاسخگوی وضعیت کلان‌شهرها و به‌خصوص تهران و بخش‌ها و شهرستان‌های همجوار آن نیست. در قالب نظام کنونی تقسیمات، سطوح تقسیماتی بخش و شهرستان از روند رشد جمعیت و ساختار فضایی کلان‌شهرها و نواحی اطراف آن جامی‌ماند. برای مثال توسعه‌های فضایی صورت گرفته در اتصال به شهر تهران انجام شده و در آن تنیده شده است، در حالی که به لحاظ تقسیمات کشوری جزء بخش یا شهرستان متفاوتی دسته‌بندی شده است. از سوی دیگر، طی زمان ساختار فضایی شهر تهران به سمت بخش‌ها و شهرستان‌های همجوار توسعه یافته است که خلاف مواد مقرر در «قانون تعاریف و ضوابط تقسیمات کشوری مصوب ۱۳۶۲/۰۴/۱۵» و به‌ویژه ماده (۴) قانون مذکور و نیز «قانون تعاریف محدوده و حریم شهر، روستا و شهرک و نحوه تعیین آن مصوب ۱۳۸۴» (مواد (۲)، (۸) و (۱۰)) است. تبعات این وضعیت صرفاً متوجه مسئله تعیین محدوده و حریم شهر نیست، بلکه مسائلی مانند نحوه انتخاب شورای اسلامی شهر را نیز شامل می‌شود. همچنین در اجرای قانون تعاریف محدوده و حریم شهر و روستا و نحوه تعیین آنها» (به‌ویژه مواد (۲) و (۶))،^۲ در داخل حریم پایتخت مجموعه‌ای از

۱. طبق فرهنگ معین و عمید، حریم، مکانی است که «حمایت و دفاع از آن واجب باشد».

۲. بر اساس این ماده شهر «محلی است با حدود قانونی که در محدوده جغرافیایی بخش واقع شده ...».

۳. طبق ماده (۶) حریم شهر در طرح جامع شهر و تأهیه طرح مذکور در طرح هادی شهر تعیین و تصویب می‌گردد.

حریم شهرها در قالب طرح‌های هادی و جامع تعریف شدند که خود معضلات دیگری را به وجود آورد. [۴]

۵. موضوع حریم کلان‌شهرها و عدم انطباق و تضاد با ماده (۲) و (۶) قانون تعاریف محدوده و حریم شهر، روستا و شهرک و نحوه تعیین آنها؛ از همان بدو تصویب قانون مذکور محل مسئله جدی بین مدیریت شهری کلان‌شهرها با شهرها و روستاهای پیرامونی از یک سو و سطوح دولت محلی (فرمانداری‌ها و بخشداری‌ها) از سوی دیگر بوده است. اما ریشه اصلی مسئله به نظام تقسیمات کشور و نحوه مدیریت سیاسی کلان‌شهرها بازمی‌گردد:

■ طبق ماده (۱۲) قانون تعاریف و ضوابط تقسیمات کشوری، از لحاظ نظام اداری دهستان تابع بخش و بخش تابع شهرستان و شهرستان تابع استان و استان تابع تشکیلات مرکزی خواهد بود. به این ترتیب رابطه حاکم میان سطوح تقسیماتی، دربرگیرنده حداقل رابطه هماهنگی افقی و بین‌سازمانی و یک رابطه عمودی بالا به پایین و متمرکز است. سطوح تقسیماتی (بخشداری و فرمانداری) وظایف خود را در هماهنگی با سطح مافوق خود انجام می‌دهند و در نتیجه هماهنگی بین سازمانی نیز باید از طریق سطح مافوق انجام شود. این رویکرد تمرکزگرا و بخشی، مجال برای سیستم مدیریت افقی ایجاد نمی‌کند. حال آنکه فضای کلان‌شهرها دارای ویژگی‌های خاص خود است و به دلیل درهم تنیدگی مسائل، اداره کلان‌شهر و حریم آن بیش از آنکه نیازمند هماهنگی از طریق سطوح تقسیمات عمودی باشد، نیازمند یکپارچگی و هماهنگی مدیریت افقی کلان‌شهر است.

■ به دلیل نظام متمرکز اداری-مالی موجود، تمایل شدید به رقابت و جدایی‌گزینی فضایی و عملکردی به جای تشریک مساعی و همکاری مشترک وجود دارد. هریک از سطوح و عناصر تقسیمات کشوری و البته هر کدام از نهادها، در نوعی رقابت منفی سعی در جلب و جذب هر چه بیشتر منابع و تسهیلات توسعه‌ای (دولتی، عمومی و...) و فرافکنی مشکلات و عناصر نامطلوب به خارج از حیطه فضایی تحت مدیریت خود دارند. شواهد این وضعیت و خسارت‌های گسترده ناشی از آن در رقابت بین شهرداری‌ها با یکدیگر و به‌ویژه در عرصه حریم‌های شهری قابل مشاهده است. [۵]

■ به دلیل نظام تقسیمات موجود و تمرکز حاکم بر آن، حکومت محلی به معنای واقعی کلمه تاکنون شکل نگرفته است. در نظام تقسیمات کشوری، روستا و شهر به عنوان سکونتگاه، واحدهای تقسیماتی تلقی می‌شوند که خود به ترتیب تابع سطوح تقسیماتی دهستان و بخش قلمداد می‌شوند که در عین حال در قالب مدیریت محلی مستقل و در قالب قوانین موجود اداره می‌شوند که فاقد ارتباط مدیریتی تعریف شده و هماهنگی با محیط اطراف خود هستند. به همین دلیل است که تعریف محدوده‌ای تحت عنوان حریم برای شهرها نیز نه تنها فاقد کارایی لازم برای هماهنگ‌سازی نقاط شهری با پهنه‌های فرادستان است، بلکه عملاً محل بروز و چهره‌نمایی تعارض‌های مدیریت شهری و روستایی با مدیریت‌های دهستان



و بخش و شهرستان و نیز سازمان‌های بخشی ذی‌ربط گشته است. [۵] این تعارض در کلان‌شهرها بیشتر نمود می‌یابد. لذا در قالب نظام تقسیمات کنونی و الگوی فعلی مدیریت سیاسی کلان‌شهرها، خرد شدن بیشتر تقسیمات کشوری (ایجاد بخش و شهرستان جدید) در کلان‌شهرها، حریم و نواحی پیرامون آنها به معنای تکثیر چالش‌های فوق است.

اجرای نشدن قوانین، اعمال قوانین متضاد در پهنه حریم، روند نسبتاً کند اصلاح قوانین، ضعف در برنامه‌ریزی، مدیریت و کنترل حریم، نبود مدیریت واحد در صدور مجوز و نظارت بر ساخت و ساز، عدم هماهنگی و یکپارچگی در سیاستگذاری، برنامه‌ریزی و اجرا در محدوده حریم و تبعات آن، ضعف در مدیریت و ساماندهی سکونتگاه‌های اطراف کلان‌شهرها، فقدان قوانین و سازوکارهای کارآمد جهت برخورد با متخلفان در پهنه حریم [۶] از جمله آثار و پیامدهای چالش‌های فوق است و حاکی از عدم کارایی نظام تقسیمات موجود و همچنین الگوی فعلی مدیریت کلان‌شهرها و حریم آنها و در کل نبود یک مرجع واحد برای برنامه‌ریزی، اجرا و نظارت در کل گستره کلان‌شهرها و حریم آنهاست.

۶. در قالب نظام تقسیمات کنونی، کلان‌شهرها (و به‌ویژه پایتخت) و حریم آنها، به دلیل گستردگی پهنه دربرگیرنده انواع قلمروهای سیاسی-اداری هستند و در نتیجه تفرق سیاسی موجود، نهادهای مختلف حق دخالت در مدیریت حریم کلان‌شهر را دارند. [۷] نظام روابط، منبع و میزان قدرت کنشگران رسمی عرصه مدیریت شهری و حریم‌شهرها، محصول تمرکز قدرت در دولت مرکزی است. آنچه مدیریت سیاسی کلان‌شهرها و حریم آنها را تضعیف می‌کند گرچه ناشی از شرح وظایف قانونی و اختیارات و منابع مادی و مالی نهادهای ذی‌صلاح است، اما در واقع محصول مستقیم عدم اعتماد دولت مرکزی به نهادهای محلی [۸] و عدم شکل‌گیری حکومت محلی به معنای واقعی کلمه، به گونه‌ای است که شهرداری متولی کلیه امور و فرایندهای مربوط به برنامه‌ریزی شهری، تأمین زیرساخت‌های شهری و نهادها و سازمان‌های مدیریتی شهر باشد.

شایان ذکر است که در بسیاری از کشورها، به‌منظور اجتناب از ایستایی بوروکراتیک، موانع غیرضروری و به‌ویژه محدودیت‌های هماهنگی، اجرایی و نظارتی در کلان‌شهرها، سیستم دوسطحی تقسیمات جایگزین نظام تقسیمات معمول در سایر نقاط کشور شده است. بدین معنا که شهرداری کلان‌شهر سطح بالایی نظام تقسیمات و شهرداری مناطق شهری سطح زیرین نظام تقسیمات را شکل می‌دهند و بر حسب درجه عدم تمرکز نظام سیاسی-اداری، کلان‌شهر هم‌رده یک استان و یا شهرستان محسوب می‌شود. برای مثال:

■ تقسیمات کشوری ژاپن مبتنی بر یک سیستم دوحده‌ای براساس تقسیم کشور به پریفکچر^۱ (معادل

1. Prefecture (FU)

استان در ایران) و شهرداری است. در واقع استان‌ها خود به شهرداری‌ها شامل شهرها، شهرک‌ها و روستاها تقسیم می‌شوند که هر سه، یک سطح واحد در نظام تقسیمات این کشور محسوب می‌شوند. اما در این سیستم ساده دوره‌ای، پایتخت ژاپن وضعیت متفاوتی دارد. کلان‌شهر توکیو خود تشکیل شده از مناطق ویژه^۱ و ... است و خود به‌عنوان یک پریفکچر (استان) در نظر گرفته می‌شود. [۱۰]

■ در چین، طبق قانون اساسی، تقسیمات کشوری براساس یک سیستم سه‌رده‌ای (استان، شهرستان و قصبه) است. اما چهار شهرداری پکن، تیانجن، شانگهای و چانگ‌کینگ، به‌طور مستقیم تحت کنترل دولت مرکزی هستند و ذیل آنها مناطق شهری، شهرک‌ها و ... به‌عنوان رده زیرین قرار دارند. چهار شهرداری مذکور بعد از دولت مرکزی، در سطح اول تقسیمات کشوری قرار دارند و با هم‌تایان استانی خود برابر هستند. این شهرداری‌ها، نهادهای مستقلی هستند که رهبران‌شان مستقیماً به پکن گزارش می‌دهند.

پکن به‌عنوان پایتخت چین، تشکیل شده از ۱۶ منطقه شهری، و شهرک‌ها و ... اطراف آن است. [۱۱]

■ ماده (۷۲) قانون اساسی جمهوری فرانسه تقسیمات کشوری^۲ را بدین شرح لیست می‌کند: کمون^۳، شهرستان^۴، استان^۵، واحدهای با وضعیت خاص^۶ و واحدهای ماورای‌بحار^۷. شهرهای پاریس، لیون و مارسای، واحدهای با وضعیت خاص در سرزمین اصلی فرانسه هستند. این شهرها در واقع کمون‌ها^۸ (شهرداری‌هایی) هستند که خود به مناطقی^۹ تقسیم شده‌اند. رأی‌دهندگان این مناطق شهری، شوراهای شهرداران این مناطق را انتخاب می‌کنند. شهر پاریس به‌دلیل وسعت آن، هم یک کمون است و هم یک شهرستان. اما امنیت آن بیشتر وابسته به فرماندار منصوب شده توسط دولت و نه شهردار انتخاب شده توسط مردم است. [۱۲]

■ سازمان قلمرویی در ترکیه از دولت محلی سه‌رده‌ای برخوردار است: «دولت استانی ویژه»^{۱۰}، «شهرداری»^{۱۱} (و نیز شهرداری‌های کلان‌شهرها)^{۱۲} و «روستا»^{۱۳}. اما همه استان‌های ترکیه از این

1. Ward (Ku)
2. Collectivités Territoriales
3. Commune
4. Département
5. Region
6. es collectivités à Statut particulier
7. Collectivités d'outre-mer Régies
8. Commune
9. Arrondissements
10. Special Provincial Administration (Il Özel Idaresi)
11. Municipalit
12. Metropolitan
13. Village (Köy)



سیستم سه‌رده‌ای بر خوردار نیستند. کشور ترکیه به ۸۱ استان تقسیم شده است و هر استان به واحدهای فرعی زیر سطح استان^۱ تقسیم شده است. بر اساس آخرین تغییرات قانونی که طی سال‌های اخیر در سیستم تقسیمات کشوری ترکیه به وجود آمده است ۵۱ استان دارای سیستم «سه‌رده‌ای» و ۳۰ استان دارای سیستم «دوره‌ای» هستند. ۳۰ استان دارای سیستم دو رده‌ای در ترکیه، که شهرداری‌های کلان‌شهرها نامیده می‌شوند، در واقع شهرداری‌هایی هستند که به چند بخش شهری تقسیم شده‌اند. این ۳۰ استان تنها دارای شهرداری‌های کلان‌شهری سطح استانی^۲ به‌عنوان رده بالایی^۳ و شهرداری‌های بخش شهری^۴ به‌عنوان رده پایین‌تر^۵ هستند. در این ۳۰ استان، یک شهردار کلان‌شهر^۶ و یک شورای شهری کلان‌شهر^۷ در سطح کلان‌شهر و شوراهای بخش‌های شهری و شهرداران بخش‌های شهری در سطح زیر استان وجود دارند. [۱۲]

۷. کلان‌شهرها به واسطه جذابیت‌های اقتصادی و اشتغال و خدمات و آموزش، رشد ستابان و مستمری را تجربه می‌کنند و به واسطه همین رشد سریع و مواجهه با محدودیت‌های تراکم، ازدحام، ترافیک، آلودگی و گرانی مسکن و اجاره بها از یک سو و استقرار برخی مشاغل مرتبط در مجموعه‌ها و شهرک‌های صنعتی، نفت و گاز و پتروشیمی و نیروگاهی، خدمات حمل و نقل و انبارداری و لجستیک در پیرامون و حریم کلان‌شهرها از سوی دیگر، تقاضای مضاعف و فزاینده‌ای برای استقرار در مناطق (شهرستان، بخش، شهر و روستاهای) پیرامونی کلان‌شهرها رخ می‌دهد که در ابتدا به رشد جمعیتی ناشی از مهاجرت در این سکونتگاه‌ها می‌انجامد و مرحله بعد تقاضا برای ارتقای تقسیمات کشوری (تبدیل روستا به شهر، ایجاد شهرک و شهرهای جدید، تبدیل شهر به کلان‌شهر، تبدیل دهستان به بخش، تبدیل بخش به شهرستان و تبدیل شهرستان به استان) رخ می‌دهد که شواهد و مصادیق متعددی در این خصوص به‌ویژه در اطراف کلان‌شهر تهران وجود دارد.

لکن هم‌مبانی نظری برنامه‌ریزی منطقه‌ای در برخورد با این موضوع در مناطق کلان‌شهری، هم‌تجارب موفق جهانی و هم‌تجربه داخلی کشور نشان می‌دهد که حرکت به سمت خرد شدن تقسیمات و ارتقای مستمر تقسیمات در این مناطق، اگرچه برخی مزایای زودگذر برای جوامع محلی این مناطق و سکونتگاه‌ها خواهد داشت، اما در نهایت هم برای این سکونتگاه‌ها و هم کلان‌شهرها و هم سطح ملی تبعات منفی جدی ناشی از گرایش‌های چندگانه متفرق و گاه متناقض براساس هویت‌های محلی را در بر خواهد داشت. به سخن دیگر کلان‌شهرها باید مبتنی بر بعد منطقه‌ای تبیین و ارزیابی شوند. کلان‌شهرها خدمات سطح

- 1 . Sub-provinces (İlçe)
- 2 . Provincewide (Büyükşehir Belediyesi)
- 3 . Upper-tier
- 4 . District Municipalities (Belediye)
- 5 . Lower-tier
- 6 . Metropolitan Mayor
- 7 . Metropolitan Municipality Council

ملی و حتی بین‌المللی ایفا نموده و بسیاری از عملکردهایی که قانوناً در محدوده شهر نمی‌تواند استقرار یابد، یا امکان استقرار آن به واسطه محدودیت‌های فضای در دسترس وجود ندارد، باید در حریم آنها مستقر شود که در کشور ما به واسطه استقرار مجموعه‌های سکونتی شهری و روستایی متعدد در پیرامون کلان‌شهرها، تداخل حریم و تناقض با «قانون تعاریف محدوده و حریم شهر، روستا و شهرک و نحوه تعیین آنها» دشواری‌های مدیریتی فراوانی ایجاد می‌نماید.

نواحی اطراف کلان‌شهرهای کشور (شهرها، شهرک‌ها، روستاها و ...) دارای یکپارچگی در عملکرد و مسائل مشترک و درهم‌تنیده (حمل‌ونقل، کنترل آلودگی و ...) با کلان‌شهر مربوطه هستند که این امر لزوم برنامه‌ریزی یکپارچه برای محدوده مربوطه را ضروری می‌کند. برای مثال در حوزه حمل‌ونقل، جهت توسعه خطوط مترو در تهران، نمی‌توان بدون توجه به شهرهای اطراف آن و حتی استان البرز برنامه‌ریزی و سیاست‌های صحیحی اتخاذ و اجرایی کرد. همچنین در بسیاری از قوانین تلاش می‌شود از شهرهای کوچک و روستاها حمایت شود و یا از سوداگری مسکن و مستغلات اجتناب شود و یا تمرکززدایی از کلان‌شهرها صورت گیرد و از استقرار برخی صنایع ممانعت به عمل آید، حال آنکه در بسیاری از این اهداف، شهرهای پیرامونی کلان‌شهرها نیز (ذیل مفهوم مجموعه شهری) در شرایط مشابهی قرار می‌گیرند و باید تمرکززدایی، کاهش سوداگری مستغلات و ... در مورد آنها نیز اعمال گردد. مصادیق و مشکلات توسعه فرودگاهی و شهر فرودگاهی امام خمینی (ره)، پالایشگاه تهران، بهشت‌زهرای تهران، تأسیسات دفع زباله، کشتارگاه‌ها، پایانه‌های اتوبوسرانی، فرودگاه‌ها و ایستگاه‌های قطار، تأسیسات و تجهیزات شهری برخی از نمونه‌هایی است که در خصوص آن تعارض منافع بین مدیریت کلان‌شهری و حوزه پیرامونی رخ می‌دهد. موضوع بسیار مهم دیگر، سوداگری املاک و مستغلات و تغییر گسترده کاربری اراضی است. اراضی مجاور کلان‌شهرها مزیت‌های مالی فراوانی دارند و تجربه نشان داده‌ار تباط مستقیم و حتی تصاعدی بین تشدید تغییر کاربری، رانت‌خواری، سوداگری املاک و مستغلات با خرد شدن فضای پیرامونی در نظام تقسیمات (ایجاد دهیاری و شهرداری و بخشداری و فرمانداری‌های جدید) در پیرامون کلان‌شهرها وجود دارد. تجربه حاکی از این است که تخلفات، تغییر کاربری و دست‌اندازی به اراضی ملی و طبیعی در محدوده‌های تحت نظارت شهرداری کلان‌شهرها کمتر از محدوده‌های تحت نظارت بخشداری و دهیاری رخ می‌دهد. با وجود اشاره ماده (۹) «قانون تعاریف محدوده و حریم شهر، روستا و شهرک و نحوه تعیین آنها»^۱ به «مجموعه‌های شهری» و علی‌رغم اینکه طبق مصوبه هیئت وزیران در سال ۱۳۷۴ در خصوص طرح‌ریزی و مدیریت مجموعه شهری تهران و سایر شهرهای بزرگ کشور و شهرهای اطراف آنها و مصوبه شورای عالی

۱. ماده (۹) قانون تعاریف محدوده و حریم شهر، روستا و شهرک و نحوه تعیین آنها بیان می‌دارد: «محدوده مجموعه‌های شهری در طرح مصوب آنها تعیین و تصویب می‌شود».



شهرسازی و معماری ایران در خصوص تعریف مجموعه شهری و تبیین شاخص‌های آن مصوب ۱۳۸۸،^۱ خلأ وجود تعریف مجموعه شهری و جایگاه رسمی آن در نظام تقسیمات و نیز فقدان مقرر قانونی در خصوص نظام برنامه‌ریزی، سیاست‌گذاری و مدیریتی آن در نظام تقسیمات سیاسی-اداری کشور مشهود است. بنابراین، معضل و مسئله‌ای که طرح حاضر در پی رفع آن است در درجه اول باید از طریق اصلاح نظام تقسیمات کلان شهرهای کشور و نیز رسمیت بخشیدن به مجموعه‌های شهری در نظام تقسیمات و ایجاد ساز و کاری مستحکم برای مدیریت مسائل مبتلا به این مجموعه‌ها به عنوان منطقه‌ای همبسته و دارای نیازها و مسائل مشترک صورت گیرد به گونه‌ای که ضمن حفظ منافع و هویت شهرها و روستاهای شکل دهنده به مجموعه‌های شهری، معضل‌ها و مسائل مشترک آنها به صورت بهینه مدیریت شود.

۸. در نگارش مقدمه و ماده واحده طرح اصول نگارش متون قانونی رعایت نشده است. ایرادهای نگارشی موجود در متن طرح مغایر بند (۹) سیاست‌های کلی قانونگذاری و به‌ویژه جزء «۴» آن است که بر شفافیت و عدم ابهام تأکید دارد. همچنین ضروری است در عنوان طرح تاریخ تصویب «قانون تعاریف محدوده و حریم شهر روستا و نحوه تعیین آنها» یعنی مصوب ۱۳۸۴/۱۰/۱۴ نیز درج شود.

۲. بررسی ماده واحده طرح

طبق ماده واحده طرح، یک تبصره به ماده (۲) قانون تعاریف محدوده و حریم شهر، روستا و شهرک و نحوه تعیین آنها مصوب ۱۳۸۴/۱۰/۱۴ به شرح زیر الحاق می‌شود:

تبصره - حریم کلان شهرها از شمول این ماده که مقرر داشته از مرز تقسیمات کشوری شهرستان و بخش مر بوطه تجاوز ننمایند، مستثنا می‌باشد. در خصوص ماده واحده نکات ذیل قابل تأمل است:

■ حکم تبصره پیشنهادی با حکم مواد (۱۳) و (۱۴) قانون تعاریف و ضوابط تقسیمات کشوری تعارض دارد. براساس ماده (۱۳) قانون مذکور، «هر گونه انتزاع، الحاق، تبدیل، ایجاد و ادغام و نیز تعیین و تغییر مرکزیت و تغییر نام و نامگذاری واحدهای تقسیمات کشوری، بجز استان بنابه پیشنهاد وزارت کشور و تصویب هیئت وزیران خواهد بود». براساس ماده (۱۴) قانون مذکور، «رعایت محدوده کلیه واحدهای تقسیماتی برای تمامی واحدها و سازمان‌های اداری (اجرایی و قضایی) و نهادهای انقلاب اسلامی کشور لازم است».

■ در نظام تقسیمات کشوری، تعریف حقوقی از کلان شهر و نحوه اداره آن وجود ندارد. لذا ضروری است ابتدا

۱. شایان ذکر است که تاکنون ۱۲ مجموعه شهری در کشور شناسایی شده که ۸ مجموعه شهری تهران، مشهد، شیراز، اصفهان، تبریز، همدان، اراک و قزوین تاکنون مصوب شده‌اند و طرح‌های مجموعه‌های شهری کرج، اهواز، یزد و اردبیل در دست تهیه است. جمعیت شهری این ۱۲ مجموعه شهری در سال ۱۳۹۵ بالغ بر ۲۹ میلیون و ۸۶۰ هزار نفر بوده است که با احتساب جمعیت روستایی بیش از ۴۰ درصد جمعیت کشور را در برمی‌گیرند. برای مطالعه بیشتر رجوع شود به علی فرنام، «به کارگیری و انگاشت‌سازی مفهوم مناطق شهری چند مرکزی در مجموعه‌های شهری ایران»، رساله دکتری رشته شهرسازی، دانشگاه تهران، ۱۳۹۹.

کلان شهر در نظام تقسیمات کشوری تعریف، چگونگی سازماندهی سیاسی فضای کلان شهر مشخص شود و ارتباط آن با سطوح دولت محلی و نحوه اداره آن تبیین شود و سپس محدوده و حریم آن اصلاح شود.

نتیجه گیری



نظر به آنچه در گزارش حاضر بیان شد، تصویب کلیات طرح حاضر توصیه نمی شود. اصلاح بندهای قانونی مربوط به حریم کلان شهر، در گام نخست نیازمند اصلاح قانون تعاریف و ضوابط تقسیمات کشوری مصوب ۱۳۶۲/۰۴/۱۵ و تصویب مقرره های قانونی برای بازنگری در مدیریت و سازماندهی سیاسی فضای کلان شهرهاست. همچنین شایسته است قانونی در خصوص نظام برنامه ریزی، سیاست گذاری و مدیریتی مجموعه های شهری تدوین شود. در گام دوم، ضروری است با مبنا قرار دادن آن اصلاحات قانونی، حریم کلان شهرها - بارعایت قوانین و اسناد بالادستی کشور - جهت رفع تناقض ها، اصلاح شود. لذا پیشنهاد می شود: نخست، تعریف کلان شهر و مجموعه شهری به شرح زیر به قانون تعاریف و ضوابط تقسیمات کشوری الحاق شود:

- «کلان شهر شهری با محدوده و حریم معین با حداقل یک میلیون نفر جمعیت است که دارای تنوع عملکردی و تأثیر گذاری های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی در مقیاس منطقه ای، ملی و بین المللی است.»
- «مجموعه شهری، محدوده جغرافیایی است که از یک کلان شهر و حداقل دو شهر پیرامونی و نواحی مجاور آن اعم از روستا، شهرک، مراکز صنعتی، کشاورزی و خدماتی، تشکیل شده و با کلان شهر دارای یکپارچگی در عملکرد است. این گستره می تواند در یک یا چند بخش و شهرستان قرار گیرد.»

دوم، از آنجا که نظام کنونی تقسیمات کشوری (نظام چهار سطحی تقسیماتی و وجود شهر به عنوان یک واحد و نه سطح تقسیماتی که درون محدوده بخش قرار دارد)، پاسخگوی وضعیت کلان شهرها و مسائل آنها نیست، ضروری است ترتیباتی متمایز از رویه معمول نظام تقسیمات برای سازماندهی سیاسی و مدیریت سیاسی فضای کلان شهرهای کشور اتخاذ شود. بدین ترتیب که نظام تقسیمات دو سطحی برای کلان شهرها اتخاذ شود و کلان شهر هم رده یک شهرستان و شهردار کلان شهر هم رده فرماندار قرار گیرد. در چنین الگویی سطوح فرمانداری و بخشداری در کلان شهرها حذف می شود و شهرداری کلان شهر سطح بالایی، و شهرداری های مناطق شهری به عنوان سطح زیرین نظام تقسیمات محسوب می شوند. در این صورت



ضروری است در قالب ارائه لایحه دولت به مجلس شورای اسلامی، چگونگی مدیریت سیاسی کلان شهرها و مناطق شهری ذیل آنها و نحوه ارتباط با سطح مافوق در قالب بندهای قانونی مورد تصریح قرار گیرد. **سوم**، ضروری است قانونی مستقل در خصوص چگونگی هماهنگی و سیاستگذاری یکپارچه و هماهنگ درباره مجموعه‌های شهری در قالب ارائه لایحه دولت به مجلس شورای اسلامی مورد تصویب قرار گیرد.

منابع و مأخذ



۱. نعمت... انوری، ساماندهی حریم کلان‌شهر تهران در چارچوب مطالعه روابط متقابل میان اسکان جمعیت و اشتغال، فصلنامه علمی - پژوهشی جغرافیا (برنامه‌ریزی منطقه‌ای)، سال هشتم، ش ۲، بهار ۱۳۹۷، ص ۳۳۸.
۲. مریم هادی زاده بزاز، مدیریت اراضی حریم شهرها؛ راهکاری اصولی در کاهش مشکلات شهری نمونه: کلان‌شهر مشهد، نشریه شهرسازی و معماری هفت‌شهر، دوره ۴، ش ۴۴-۴۳، ص ۸.
۳. برای اطلاعات بیشتر رجوع شود به گزارش اظهار نظر کارشناسی درباره «طرح تقسیم استان سیستان و بلوچستان به ۴ استان». دفتر مطالعات سیاسی. مرکز پژوهش‌های مجلس. شماره مسلسل ۱۷۶۲۴، ۱۴۰۰.
۴. صفر قاعدر حمتمی و سیروس احمدی نوحدانی، بررسی مشکلات مدیریت سیاسی فضا در حریم شهر تهران، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، سال ۳۱، ش ۳، ۱۳۹۵، صص ۹۴-۱۰۲.
۵. علی عسگری و غلامرضا کاظمیان، شناخت و تحلیل نظام موجود مدیریت مجموعه‌های شهری کشور، فصلنامه مدیریت شهری، ش ۱۸، پاییز ۱۳۸۵، ص ۲۱.
۶. سبحانی، نوبخت و دیگران، آسیب‌شناسی حریم کلان‌شهر تهران، فصلنامه جغرافیا و توسعه، ش ۶۰، پاییز ۱۳۹۹، صص ۲۴۶-۲۵۶.
۷. صفر قاعدر حمتمی و سیروس احمدی نوحدانی، بررسی مشکلات مدیریت سیاسی فضا در حریم شهر تهران، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، سال ۳۱، ش ۳، ۱۳۹۵، صص ۹۴-۱۰۱.
۸. غلامرضا کاظمیان و سیده زهره میرعابدینی، آسیب‌شناسی مدیریت یکپارچه شهری در تهران از منظر سیاستگذاری و تصمیم‌گیری شهری، نشریه هنرهای زیبا-معماری و شهرسازی، ش ۴۶، صص ۳۶-۳۷.
۹. برای اطلاعات بیشتر رجوع شود به میراحمدی، فاطمه سادات. تقسیمات کشوری ژاپن: عقلانیت، سادگی و تلاشی بی‌پایان برای تمرکززدایی کنترل شده از روابط مرکزی-محلی، دفتر مطالعات سیاسی. مرکز پژوهش‌های مجلس. شماره مسلسل ۱۶۳۵۳، ۱۳۹۷.
۱۰. برای اطلاعات بیشتر رجوع شود به میراحمدی، فاطمه سادات. تقسیمات کشوری در چین: ابزاری برای پیشرفت اقتصادی و بهره‌وری مدیریتی، دفتر مطالعات سیاسی. مرکز پژوهش‌های مجلس. شماره مسلسل ۱۵۷۴۲، ۱۳۹۶.
۱۱. برای اطلاعات بیشتر رجوع شود به میراحمدی، فاطمه سادات امکان‌سنجی تفکیک استان‌های وسیع کشور (سیستان و بلوچستان، کرمان، فارس و اصفهان)، دفتر مطالعات سیاسی. مرکز پژوهش‌های مجلس. شماره مسلسل ۱۵۵۲۴، ۱۳۹۶.



مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی

تهران، خیابان پاسداران، روبروی پارک نیاوران (ضلع جنوبی، پلاک ۸۰۲)

تلفن: ۷۵۱۲۰۰۰ صندوق پستی: ۱۵۸۷۵-۵۸۵۵ پست الکترونیک: mrc@majles.ir

وبسایت: rc.majles.ir